

قصه‌های قدقدی جون: مامان بزرگ مهربون

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ
(خداوند) موجود زنده را از ماده بی‌جان می‌سازد و ماده بی‌جان را از موجود زنده.
بعد از مردنش زنده می‌کند و شما هم همین‌طور از قبرها بیرون آورده می‌شوید.

(قرآن کریم، سوره روم، آیه ۱۹)



دفتر قم: ۰۲۵-۳۷۷۴۱۳۶۲

تلفن همراه: ۰۹۱۲۷۵۹۵۲۸۸

www.baharnashr.ir

نام کتاب: قدقدی جون، مامان بزرگ مهربون

سروده: مرتضی دانشمند

ناشر: انتشارات بهار دلها

تصویرگر: لیلا باباخانی

چاپخانه: گلها

شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت و تاریخ چاپ: اول ۱۴۰۱

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۲-۱۰۰-۸

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ می‌باشد



پيونديان
مبارک

قو قوی، قو قو قو...

عروسی

قدقدی جون عروسه
شوهر اون خروسه
بال و پرش حنایی
گل گلی و ملوسه

دوماد برای عروس
قو قولی قو قو می خونه
با هم دیگه می گردند
همیشه توی خونه

قدقدی جون یه گوشه
تنها چرا نشسته
گشنه و تشنه هم نیست
چشماشو اما بسته

خونه پر از شادیه
از قو قولی قدقدا
اما صدایی کمه
جیکاجیکا جیک جیکا



دعا

قدقدی قدقدا می کرد
خداشو هی صدا می کرد

صدا می زد قُدا قُدا
جوجه می خوام از تو؛ خدا

تو خونه، تنهایی بده
خودت بهم جوجه بده!

قُقدشو خدا شنید
تنهایی شو وقتی که دید

تخمی گذاشت تو شیکمش
یعنی یه جوجه می دمش



تخم گذاری

قدقدی قدقدانن
از تو لونه‌ش اومد بیرون

توی حیاط یه تابی خورد
غذایی خورد و آبی خورد

رفت دوباره توی لونه
برای چی؟ کی می‌دونه؟

چه کاری توی لونه داشت
بگین چی اونجا گذاشت

یه تخم مرغ کوچولو
تا که بشه جیکوجیکو

